فهرست

[پاسخ به سوالات باقی مانده 1](#_Toc85886792)

[رابطه فقه تربیتی و نظام تربیتی 2](#_Toc85886793)

[انضباط در ساز و کار فقه 2](#_Toc85886794)

[جایگاه علم اجمالی در فقه تربیتی 2](#_Toc85886795)

[نظام تربیتی یعنی مطالعات تخصصی تربیت اسلامی 4](#_Toc85886796)

[قلمرو فقه تربیتی 5](#_Toc85886797)

[مهمترین کارکرد فقه تربیتی 7](#_Toc85886798)

[فقه تربیتی در دامن فقه است 9](#_Toc85886799)

[ضرورت تأسیس فقه تربیتی 10](#_Toc85886800)

[تفاوت فقه تربیتی و فقه اخلاق 10](#_Toc85886801)

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض سلام و ادب و احترام خدمت حضار گرامی، دوستان عزیز مخاطبان محترم

# پاسخ به سوالات باقی مانده

دو سؤال از جلسه قبل باقی مانده بود

سؤال اول در واقع آقای محمدی فرموده بودند که استدلال به علم اجمالی استدلال کاملی نیست چون مکلف به عسر و حرج می‌افتد؟

جواب: استدلال به علم اجمالی بله هر جا که عسر و حرج آورد اشکال ندارد ولی نمی‌توان گفت استدلال کاملی نیست چون همه جا به عسر و حرج می‌افتد همه جا به عسر و حرج نمی‌افتد این حکم عقل است الآن به شما می‌گویند علم اجمالی داریم به یکی از این ورزشگاه‌های شهر برای مسابقه بروید کرونا می‌گیرید، شما باید چه کار بکنید شبهه محصوره است، شبهه غیر محصوره است عقل ما حکم می‌کند این کجا عسر و حرج است. بله اگر این خطر، خطر ضعیف‌تری باشد یک حکمی دارد در هر صورت وقتی مبنای علم اجمالی را گفتیم مخصوصاً این استدلال مخاطبینش مجتهدین هستند وقتی در قامت ضرورت تأسیس صحبت می‌کنیم مخاطب مجتهدین فقها و طلبه‌ها هستند، فقه پژوهان هستند که به سمت تولید فقه تربیتی بروند و منجزیت علم اجمالی از این جهت می‌گوییم بله هر جا عسر و حرج بود اشکال ندارد بنابراین شما نمی‌توانید بگویید در احکام نمازگزار ما به عسر و حرج می‌افتیم. در احکام نمازگزار هم شما به عسر و حرج می‌افتید هر جا عسر و حرج بود قبول. عسر و حرج صادق بود قبول، این کبرویاً اما صغرویاً که این‌جور نیست و مخاطب استدلال بیشتر مجتهدین بودند.

# رابطه فقه تربیتی و نظام تربیتی

سؤال بعدی که سرکار خانم الآن فرمودند این است که چه اشکالی دارد که من از نظام تربیتی اسلام استفاده بکنم و سراغ فقه تربیتی نروم

جواب این است که اشکال ندارد ما نگفتیم که این دو نظام تربیتی و فقه تربیتی متقابل و متخالف هستند جلسه قبل گفتیم که رابطه این دو رابطه کل و جزء است جلسه دوم با صراحت گفتیم فقه تربیتی نظام تربیتی نیست می‌تواند کمک کند بنابراین خیلی دوگانه درست نکردیم که بگوییم هر کسی که دنبال معارف تربیتی اسلام است نباید سراغ نظام تربیتی برود اصلاً نظام تربیتی محصول فقه تربیتی می‌تواند باشد. این به نظرم اگر گویا باشد.

# انضباط در ساز و کار فقه

سؤال بعدی پسوند اسلام به فضای تربیت ملحق شد پای منبعی به نام قران و سنت پیش می‌آید در همین راستا است که ...

جواب: چون مؤید هستند وقتی توضیح می‌دهند تربیت اسلامی، اسلام یعنی قران و سنت حالا چه جوری از قران و سنت استفاده بکنیم باید کاملاً روش‌ها و ضوابط فهم متن را رعایت بکنیم

از سوی دیگر تربیت چون ذاتاً مقوله هنجاری هست مقوله هنجارین و تجویزی است تفاوتش با تفسیر قران این است تفسیر قران همه آیات قران را تفسیر می‌کند و در صدد تفسیرش هست و به تعبیر دقیق‌تر فقه تربیتی یعنی اگر فقه تربیتی را به معنای عام بگیرید می‌شود همان اسلام 04:21؟؟؟ می‌شود همان تربیت اسلامی منتها تربیت اسلامی که یک فهم عمیقی دارد اینکه تحصیل حاصل است و این رشته قبلاً بوده است و چهل پنجاه سال است که هست

نکته و دغدغه روی ضوابط فهم و روشمندی فهم بوده است ما ادعا می‌کنیم فقها و اساساً کارویژه فقه و سازو کار فقه سازوکار منضبطی است به دلیل علم اصول که روش‌شناسی هزار ساله علم فقه است بر خلاف علم تفسیر که روشمند است اما روش‌شناسی‌اش بیست سی سال است که نوشته می‌شود روش تفسیر، تلاش‌های مرحوم آیت‌الله معرفت و تا حدی آیت‌الله خویی و دیگران در باب روش‌شناسی و انضباط روشگانی تفسیر قران تلاش‌هایی در این زمینه شده است.

# جایگاه علم اجمالی در فقه تربیتی

ادامه داده‌اند ما باید به علم اجمالی استدلال بکنیم و تکثر باب پیدا می‌شود و ما با استدلال علم اجمالی باید یک باب جدید درست کنیم؟

جواب: تابع علم اجمالی هستید هر جا علم اجمالی بود اما شما به علم اجمالی می‌دانید مثلاً در فیزیک، ما باید فقه فیزیک درست کنیم؟ نه علم اجمالی نداریم که حتماً مولا در مورد علم فیزیک احکامی داشته باشد یا حتی قران در مورد فیزیک حرفی داشته باشد فیزیک به معنای مصطلح متأخر

اما تربیت با فیزیک و شیمی و جامعه‌شناسی به معنای مدرنش فرق دارد روانشناسی سایکولوژی به معنای مدرن متأخر ما اصلاً علم اجمالی نداریم می‌دانیم که قران در صدد بیان توصیفات و تجویزات جامعه‌شناسی نبوده است به این معنای متأخر و مدرنش، اما تربیت خیلی متفاوت است ما میگوییم که ...

نفر بعدی فرمودند که مطالعه بالینی کودک چقدر می‌تواند کمک بکند

جواب: خیلی کمک می‌تواند بکند، مبنائا علوم مدرن غربی را روانشناسی علوم رفتاری مدرن موجود را سایکولوژی موجود را مبنائا قبول دارید یا قبول ندارید همه را ضاله می‌دانید؟ ما همه را ضاله نمی‌دانیم و غرب گزینی به نظرم فلسفه درستی است اگر این باشد تهافتی وجود ندارد تضادی وجود ندارد البته یک بحث فنی دقیق اینجا هست که میزان اعتبار و حجیت ظنون علوم انسانی یعنی دستاوردهای ظنی در حوزه علوم اجتماعی و علوم رفتاری به چه میزان می‌تواند در فرایند استنباط و تفقه قرار بگیرد این سؤال فنی اصول فقهی است. در اصول فقه باید پاسخ این را پیدا بکنید دقت بکنید

جواب این است که در موضوع شناسی فی الجمله ظنون معرفت ظنی علوم انسانی (روانشناسی، جامعه‌شناسی و ...) فی الجمله در موضوع شناسی در فهم استنباط مورد اطمینان هست به دلیل اینکه از باب حجیت قول خبره و این‌هاست اما در کشف حکم خیر.

اتفاقاً مرز قیاس و اجتهاد ناب این جاست مرز میان شبه اجتهاد و اجتهاد ناب همین جاست که قیاس استحسان نشود

بنابراین این نکته دقیقی بود که امیدوارم خوب توانسته باشم مطرح کرده باشم.

دوباره فرمودند شاهد مثال طب اسلامی است که می‌دانیم و علم اجمالی داریم طبی داریم ولی خیلی از علما می‌فرمایند طبی به نام اسلامی نداریم.

شما می‌گویید استدلال به علم اجمالی موجب عسر و حرج است و بعد شاهد مثالش اینکه می‌گوییم علم اجمالی داریم طب اسلامی داریم و برخی مخالفش هستند.

جواب: اتفاقاً اینکه عده‌ای می‌گویند طب اسلامی نداریم نشان می‌دهد که باید به لحاظ فنی و تخصصی یک باب و شاخه‌ای و رشته‌ای به آن اختصاص داده شود که درباره آن صحبت بشود و از حرف‌های عامیانه و حرف‌های منبری و رسانه‌ای حذر بشود.

یک بار برای همیشه بحث اسناد روایات طبی بحث بشود به لحاظ فنی بحث بشود که روایات طبی جزو دین است، مولویت دارد یا ارشادیت و این نشان می‌دهد که ما باید فقه پزشکی باید داشته باشیم حال محصول فقه پزشکی ممکن است به این نتایج منجر بشود که ما مثلاً اسلام در پزشکی فقط در کلیات ورود کرده است و در جزییات ورود نکرده است این هم نتیجه است به تعبیر من، من همیشه می‌گویم عدم الاطلاع هو اطلاعٌ یعنی در پژوهش‌ها شما گشتید و چیزی پیدا نکردید خودش یک پژوهش است دقت کنید در پژوهش‌ها بررسی کردید و گفتید ما چیزی به اسم طب اسلامی نداریم و معتبر نیست این خود معتبر است یعنی خود نتیجه پژوهش است و می‌ارزد که در این زمینه پژوهش صورت بگیرد.

# نظام تربیتی یعنی مطالعات تخصصی تربیت اسلامی

سرکار خانم فرمودند اگر فقه تربیتی بگوییم نظام تعلیم و تربیتی اسلام باید ...

جواب: ما بیانمان نبود اصلاً لزومی ندارد من در جلسه اول گفتم عرصه نظام تربیتی اسلام که چهل سال است در ایران و تقریباً شصت سال است اسلامی سازی علوم تربیتی، اسلامی سازی تربیت جریان فکری در جهان عرب است و در جهان اسلام، حالا ما اطلاع نداریم و باید مطالعه بکنیم این وجود دارد و چه کلمه‌ای باب بکنیم به نام فقه تربیتی و بگوییم این محصول شصت ساله و اسمش را عوض بکنیم، لزومی ندارد دعوا سر اصطلاح و الفاظ نیست

فقه تربیتی بار جدیدی را به دوش کشیده و افق جدیدی را گشوده است این را می‌گوییم.

و اینکه می‌گویم نظام تربیتی منظور مطالعات تربیت اسلامی یعنی مطالعات فنی تخصصی تربیت اسلامی، نه کتاب شهید مطهری، نه کتاب آیت‌الله امینی، نه حتی کتاب آیت‌الله حائری رحمة الله علیهم این‌ها کتاب‌های خیلی خوب و معتبر و مأجور، اما قلمرو تربیت اسلامی این‌ها نیست بلکه پژوهش‌های تخصصی‌تری است که ادبیات خاصی را پیدا کرده است

این‌ها را که گفتم تضعیف آیت‌الله حائری نیست تنقیص آیت‌الله امینی و شهید مطهری نیست می‌خواهم بگویم این هست بدانید و آگاه باشید مخاطبین گرامی چهل سال است در ادبیات تربیت اسلامی به معنای تخصصی تولید می‌شود حالا جست و گریخته با ضعف‌هایی که دارد مانند ضعف‌هایی که در عرصه‌های مختلف هست فرض کنید پنجاه سال است در جهان اسلام مطرح می‌شود اسلامی سازیِ علوم تربیتی، به معنای جدید این که فقه تربیتی را به آن نام بخوانیم دردی را دوا نمی‌کند و مشکلی را حل نمی‌کند فقط تبدل الفاظ است

فقه تربیتی آمده این عرصه را تدقیق بکند.

حاج‌آقا مجتبی تهرانی رحمت‌الله علیهم از بزرگان ما هستند دقت بکنید من که می‌گویم ادبیات تخصصی اسلامی این‌ها هست

حالا کتاب‌های آیت‌الله مصباح، کتاب‌های آیت‌الله جوادی املی این‌ها منابع تربیت اسلامی هستند گزاره‌های تخصصی تربیت اسلامی به معنای مصطلح را از آن می‌شود استناد کرد ده‌ها و صدها پایان‌نامه از مجموعه آثار آیت‌الله مصباح و آیت‌الله جوادی می‌توان نوشت در حوزه تربیت اسلامی نوشت و لازم است نوشته شود و باید احیا بشود

اما ابن‌سینا در حوزه تربیت اسلامی حرفی نداشت و خودش مستقیم نگفت اما لوازم حرفی دارد بنیادهای نظری‌اش استنتاج می‌تواند بشود.

بنابراین خلط نشود که از یک قلمرو تربیت اسلامی سخن می‌گویم که این قلمرو ...

مجموعه کارهایی که در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، در موسسه امام خمینی، بخشی در دانشگاه تهران، بخشی در جاهای مختلف کشور در این عرصه می‌بینید در قلمرو تربیت اسلامی به معنای اخص به معنای تخصصی اختصاص دارد اما فقه تربیتی می‌خواهد باب جدیدی را ...توضیح دادم

سؤال: ارشادی باشد یا خیر ارشادی باشد به حکم عقل و حکم عقل هم لازم الاتباع است

جواب: مؤید هستید در ارشاد و مولوی بحث‌های دقیق‌تری هست که جزو دین هست جزو دین نیست چند تا معنا دارد و این‌ها بماند این‌ها نشان می‌دهد که ضرورت بحث لازم است

فتوا و حکم فرق دارد حکم ولی‌فقیه و حاکم است و فتوا برای مجتهد است فقه تربیتی در این زمینه‌ها نمی‌خواهد از چهارچوب‌ها خارج بشود و نمی‌تواند از چهارچوب خارج بشود.

ضمن اینکه همزمان سؤال‌های شما را می‌بینم موضوع جلسه چهارم جغرافیای فقه تربیتی و قلمرو مسائل آن.

اگر تا اینجا بپذیرید و همراه باشید و این تلاش بیست ساله آیت‌الله اعرافی و همراهانش را در بوته گزارش گذاشتیم ما ...

# قلمرو فقه تربیتی

سؤال بعدی این است که فقه تربیتی به چه چیزهایی می‌خواهد بپردازد چند مثال بزنید که بفهمیم فقه تربیتی چیست و در واقع عین‌الیقین بشود ما مشاهده بکنیم

جواب: قلمرو مسائلی که پیش روی مجتهد و فقیه تربیتی می‌تواند قرار بگیرد قلمرو و دایره قلمرو به شعاع مفهوم تربیت است یک وقت مفهوم تربیت یعنی همین بچه بزرگ کردن، کسی ممکن است تربیت را بچه بزرگ کردن تعریف بکند فقه تربیتی می‌شود فقه بچه بزرگ کردن

یک وقت تربیت را شما بچه تربیت کردن معنا بکنید آن می‌شود احکام بچه تربیت کردن

یک وقت کلمه بچه را بر می‌دارید بچه یعنی صبی و تربیت بزرگ سال را هم تربیت می‌دانید الکلام، الکلام

من به عنوان کسی که در این عرصه صاحب اطلاع هستم می‌گویم علوم تربیتی در دامن علوم مدرن غربی علم بسیار متراکمی و قابل توجهی است و نمی‌شود به این پشت کرد و به این بی اعتنا بود و بر اساس گفتمان امامین انقلاب ما نمی‌توانیم به این بی اعتنا باشیم و بگوییم همه‌اش گمراهی است همه‌اش کفر و ضاله است این‌جور نیست واقعاً مجموعه تلاش‌های بسیار گسترده و متراکم (گفتم در شانزده یا بیست و یک و یا بیست و سه شاخه دانشگاهی و دانشی علوم تربیتی رشد پیدا کرده است) منتها تمرکزش بیشتر روی تربیت رسمی است تربیت رسمی یعنی نظام اسکولینگ، اسکول یعنی مدرسه‌ها یعنی مدل جدید مدرسه که مثلاً در اواخر قاجار به جای مکتب‌خانه‌های سنتی مدرسه‌ها دایر شدند

پس تا اینجا یک پاسخ اجمالی می‌دهم قلمرو فقه تربیتی به شعاع مفهوم تربیت است اگر مفهوم تربیت را شما بریده از حکومت‌ها دیدید تربیت یک امر فردی است و فقه تربیتی هم همان است اما اگر تربیت را در تعامل و در تناسب و نسبت با حکومت و نهاد قدرت دیدید که واقعاً هم این‌جور هست قضیه خیلی متفاوت می‌شود فقه تربیتی موضوعات واقعاً خیلی مهمی را می‌تواند به دوش بکشد

مثلاً در تعامل فقه سیاسی و فقه تربیتی بعضی از موضوعات باید حل بشود و پاسخ داده بشود مثلاً قصه پر غصه مدارس خصوصی و خصوصی‌سازی و پولی سازی آموزش و پرورش این‌ها هم ابعاد فلسفی دارد مسئله و هم ابعاد فقهی دارد من برای شما بگویم مدارس غیرانتفاعی که اسمش غیرانتفاعی بود ولی انتفاعی بود واقعاً و اصلاً پولی بود بعدها در دهه هشتاد کلمه تغییر کرد مدارس خصوصی بدل شد برای اینکه اتهام لیبرالیزم به آنها زده نشود سیاست‌گذاران از کلمه خصوصی کمتر استفاده می‌کردند تا این اواخر که استفاده می‌کنند

با شعار بسط عدالت آموزشی مدارس خصوصی دامن زده شد که در نتیجه الآن محصولش نا عدالتی آموزشی است پس این سؤال آیا مدارس خصوصی باید باشد یا نباید باشد در یک جامعه اسلامی، چه مدرسه مذهبی خصوصی که پول‌دارهای مذهبی، پولدارهای تهران بازاری‌های تهران، فرهنگی‌ها، آن کسی که ... وزرای سابق آموزش و پرورش، نمایندگان سابق مجلس آنها که به بدنه قدرت وصل هستند ده بیست دبیرستان دارند و بچه پولدارها می‌روند درس می‌خوانند اصلاً به نام بنیاد شهید هم باشد مدارس شاهد، اصلاً در گونه شناسی مدارس همین مدارس رسمی واقعاً سؤال‌های شرعی وجود دارد وقتی فقه نتواند پاسخ بدهد یعنی اصلاً محل نگذارد بگوید این‌ها سؤال‌های شرعی نیست به من ربطی ندارد بله گاهی وقت‌ها نیاز هست که باشد برای همین شد استدلال فقهی، نیاز هست که باشد یعنی چه؟ بالاخره فقه می‌تواند جواب بدهد یا نمی‌تواند بدهد اینجا وقتی فقه عقب می‌نشیند یعنی حکم اولی را استنباط نمی‌کند

الآن نمی‌دانیم در نظام تربیتی اسلام بسط مدارس خصوصی تأسیس و گسترش مدارس خصوصی حکمش چیست؟ اباحه است استحباب است کراهت است؟ به نظر می‌رسد احکام خمسه در آن باشد در مواردی واجب است در مواردی حرام است همین باید مبوب بشود یا نشود؟

مثال را دقت کردید بنابراین اگر ما فقه تربیتی را در این قد و قامت ترسیم کردیم قلمرو فقه تربیتی تا اینجاها ادامه دارد یعنی موضوعات ملی و موضوعات مستحدثی که در قامت سیاست‌گذاری تربیتی و در قامت حکمرانی تربیتی می‌شود عرضه کرد

وقتی منظر شما حوزویان و فقه و انقلابی‌ها و انقلاب در خدمت انقلاب اسلامی نباشد فاجعه‌آمیز است حال نمی‌خواهم از تعبیر حوزه سکولار استفاده بکنم حوزه‌ای که برای او مهم نیست انقلاب شده است شهدا داده‌ایم یا شهدا نداده‌ایم اصلاً مهم نیست انقلاب باشد یا نباشد حوزه سر جای خودش هست که این‌جور نیست، مراجع، مدیریت حوزه، شورای عالی حوزه، افراد انقلابی هستند و داعیه‌های انقلابی دارند درست هم هست.

بنابراین مثال زدم سؤال‌های بنیادین از این دست، نظام تربیت معلم آیا تأمین معلم رواست یا تربیت معلم؟ دو تا پارادایم است بحث فنی است بحث سیاسی نمی‌خواهیم بکنیم هم در موضوع شناسی بحث فنی دارد هم بحث‌های اسلامی‌اش بحث‌های فنی دارد بحث‌های اسلامی را به چه کسی بدهیم بحث اسلامی بکند؟

مثلاً در شورای عالی آموزش و پرورش می‌گویند حاج‌آقا شما زینة المجالس هستید بیا کنار وزیر بنشین و نظر بده از نظر اسلام حکمش چیست؟ با شعار بسط عدالت آموزشی مدارس پولی را باب کردیم مدارس پولی یعنی هر کسی که پولش بیشتر، فرصت‌های تحصیلی بهتر و فرصت اشتغال بالاتر یعنی اصل بقاء ژن‌های خوب در بدنه حکومت، این‌ها با کجای آرمان‌های انقلاب اسلامی سازگار است با مکتب شهید سلیمانی سازگار است؟

آن وقت می‌گویید یک عمامه به سری مثل شما و بنده می‌برند عضو شورای عالی آموزش و پرورش نماینده حوزه‌های علمیه، بنده خدا یک نفر است و یک اندیشه دارد ممکن است رشته‌اش تعلیم و تربیت نباشد رشته‌اش فلسفه است رفته آنجا نشسته است تأیید هم می‌کند، پشتوانه تئوریک پشتش نبوده است برود ده‌ها کرسی درس خارج فقه حکمرانی تربیتی نبود ده‌ها کتاب و رساله در این رشته نوشته نشده بود که بگوید بله اینجا اختلاف نظر هست آقای فلانی نکته‌ای دارد و تحقیقات گسترده‌ای در حوزه ...

این گفته‌های من تیر خلاص است

# مهم­ترین کارکرد فقه تربیتی

مهم‌ترین کارکردهای فقه تربیتی اینجاست اگر می‌گوییم حوزه انقلابی باشد حوزه سکولار نباشد یعنی همین الآن نیازهای آنی و فی المجلس جمهوری اسلامی را حوزه می‌تواند پاسخ بدهد بله در حد زینة المجالس بله.

درد من را می‌فهمید زینت المجالس بودن یعنی چه؟

بنابراین شعار هم نمی‌خواهیم بدهیم همین فقه موجود که از آن شیخ انصاری و این بزرگان خارج شدند و این بزرگان زحمت کشیدند این را می‌شود بسط داد. فقه جواهری که امام می‌فرمود این است سؤالاتی از این دست.

بنابراین قلمرو و جغرافیای فقه تربیتی بسته به شعاع تربیت است اگر تربیت امر سازمانی دانستیم و تربیت را حتی غیر رسمی را تربیت دانستیم و تربیت در فضای مجازی را تربیت دانستیم این‌ها احکامی دارد موضوع شناسی­هایی دارد محمول شناسی‌های فنی دارد که واقعیت را بخواهید جریان تربیت اسلامی افتان و خیزان این مسیر را پیش می‌رود اما به نظر می‌رسد فقه تربیتی به دلیل انضباط روش شناختی‌اش، شما در فقه تربیتی نمی‌توانید هر آیه را به آن تمسک کنید و هر روایت را بگیرید و رد بشوید نمی‌توانید

نمی‌توانید روایتی که در یک کتاب است و کتاب سندش مشکل دارد اما در تحقیقات تربیت اسلامی می‌بینید که به تحف العقول تمسک می‌کنم می‌گویم قال رسول‌الله فلان، قال علی علیه‌السلام فلان، تحف العقول، تحف که اسنادش مرفوعه است دقت بکنید.

بنابراین این هم قلمرویش را روشن کردم و تا حدی کارکردهای فقه تربیتی را در قامت یک نظام سیاست‌گذاری تربیتی برای جامعه اسلامی فارغ از اینکه ایران باشد یا نباشد طراحی بکنم.

این هم در واقع یک نکته که آن موسوعه سی جلدی موسسه اشراق تحت اشراف حضرت آیت‌الله اعرافی و آن تلاش می‌کند ساحت‌های ... و تربیت جنسی و تربیت عبادی، تربیت اخلاقی و ساحت‌های مختلف را بررسی بکند نهاد محور پیش برود برش نهادی دارد یعنی هم وظایف حاکمیت و حکومت اسلامی را می‌خواهد در یک جلد مشخص بکند خانواده‌ها، رسانه‌ها، نهاد دین و غیره. یک موسوعه دائره المعارف گونه سی جلدی است

البته هیچ املای نانوشته‌ای غلط ندارد و هیچ املایی هم غلط ندارد. ما املایمان را می‌نویسم و نیاز به کار و تلاش دارد و نیاز به تربیت نیروی انسانی دارد نیاز به این دارد و واقعاً مآل این است به نظرم شعف برانگیز است که وزیر آموزش و پرورش نامه‌ای به مدیریت حوزه‌های علمیه بزند و بگوید از بین این پنج کرسی درس خارج فقه تربیتی که برقرار است و از بین این انبوه پنجاه کتابی که در حوزه تربیت رسمی نوشته شده است شما چهار کارشناس معرفی کنید بیاید در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش شرکت بکند یا کمسیون تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی شرکت بکنند که این موضوع مهم را می‌خواهیم بررسی بکنیم مثلاً بسط دانشگاه‌ها و تنوع آموزش عالی از دانشگاه‌های پولی تا دانشگاه‌های غیر پولی، آزاد و علمی کاربردی و پیام نور و ... این چگونه باید باشد

آن وقت ببینید حوزه با دست‌پر می‌رود انبوهی از اقوال و مطالعات و نتایج را به همراه دارد تا جایی که فقط با ارتکازات این اعضای محترم که تا حدی که کارکردشان زینت المجالس است ممکن است طرف شخصاً خیلی فاضل باشد استاد تمام باشد، آیت‌الله باشد مجتهد باشد فیلسوف باشد اما شخصاً وقتی در جو قرار می‌گیرد می‌گوید بالاخره این است اشکال ندارد، بالاخره بچه‌های پولدار هم باید درس بخوانند وقتی محصول بیست ساله را می‌بینیم، می‌بینیم یک تبعیض ساختارمند فرایندی به وجود آمده است که بچه فقیر هیچ‌گاه به طبقات بالای جامعه راه پیدا نخواهد کرد در جامعه مهدوی و حسینی.

من از اینجا به پاسخ به سؤالات می‌پردازم و سخنانم را در پاسخ به سؤالات مطرح می‌کنم

سؤال: ارشاد نیست گاهی داروهایی هم گفتند که حالا حالاها اطبا کشف نکرده‌اند.

جواب: این بحث فنی دارد

سؤال: این‌ها که چکش‌کاری نیاز دارند ای کاش حضوری برگزار بشود

جواب: اصول هم که قدمت هزارساله دارد باید حضوری برگزار بشود چکش‌کاری به معنای کم نبودن نیست ما از استحکام درونی و برونی فقه تربیتی دفاع می‌کنیم و به نظر می‌رسد که پیش خدا معتبر است و مأجور است تنوع دیدگاه هم لازم است منتها یک وقتی ما بزرگانی کنار نشسته‌اند و می‌گویند لنگش کن، خب تفقه در موضوعات جدید سخت است شما درس خارجی بگویید مثلاً کتاب الصلاة با یک نرم افزار، (الآن با هوش مصنوعی خیلی کارها می‌شود کرد) مجموعه اقوال را جمع‌آوری می‌کند و بیان می‌کند هیچ نوآوری نکرده است نوآوری‌اش این است که استحباب را به استحباب مؤکد تغییر داده است که آن هم مفید است و خوب است بنابراین این تعبیر چکش‌کاری که فرمودید ما دفاع می‌کنیم انسجام درونی فقه تربیتی نظام تربیتی انسجام معتبر و مستحکمی است البته ممکن است خطا داشته باشد ما متواضعانه می‌پذیریم و دوست هم داریم که جلسات نقد برگزار بشود این راه نرفته‌ای است که بیست سال است طی شده است و دیگرانی بیایند این بیست سال را بروند و آن وقت محاجه بکنند و اشکال بکنند و کمک بکنند ما همه در یک جبهه هستیم تنوع راه‌ها لازم است تنوع دیدگاه‌ها لازم است حتی اختلاف دیدگاه‌ها هم لازم است

# فقه تربیتی در دامن فقه است

سؤال: نه تنها مدارس بلکه دانشگاه‌ها هم خصوصی می‌کنند پس چرا اعاظم همچنان خارج صلاه ...

جواب: آن هم لازم است صلاة و حج و طهارت هم لازم است اما فقه‌های جدید یک موضوع شناسی‌هایی می‌خواهد یکی از نقاط تذکر این است که فقه تربیتی باید فقه باشد دقت بکنید فقه تربیتی نباید از فقه خارج بشود فقه تربیتی باید فقهی باشد که کفایه گو، یا جریان آیت‌الله شبیری زنجانی در رجال بگوید بله قبول است ممکن است اختلاف مبنایی داشته باشد اما این فقه است می‌تواند اختلاف و تفاوت مبنا داشته باشد اما فقه بودن را بپذیرد و سیاست درست آیت‌الله اعرافی همین بوده است که تلاش کرده است که فقه تربیتی را در دامان فقه سنتی پرورش بدهد و رواج بدهد البته ایشان یک نفر بوده است خوب دقت کنید یک نفره این کار را کرده است اما ای کاش اگر می‌شد ده نفر بزرگ این کار را می‌کردند که محوریت داشتند و قدرت داشتند و شاگرد و نیرو داشتند و بودجه داشتند حتماً تربیت پژوهی و فقه تربیتی محول می‌شد و تفاوت می‌کرد.

بنابراین تذکر به جایی است که فقه تربیتی باید فقه باشد و بر اسلوب فقه مرور بکند

سؤال: چه توضیحی برای فاصله بلوغ ازدواج در جامعه دارد

جواب: هیچ توضیحی ندارد، فاصله بلوغ و ازدواج در جامعه امروز تحقیقات جامعه‌شناختی می‌خواهد فقه تربیتی جامعه‌شناسی نیست در جلسه دوم عامدانه آن حرف‌ها را زدم برای اینکه ریشه‌یابی بکنیم که چرا تمایل به ازدواج کاهش پیدا کرده است یا تأخر ازدواج رواج پیدا کرده است تحقیق میدانی و جامعه‌شناختی می‌خواهد علوم اجتماعی عهده‌دارش هست و الی ماشاءالله روش‌شناسی تحقیقات کمی و کیفی و مطالعات آزمایشگاهی می‌خواهد و هست

البته در همان زمینه هم ما می‌گوییم جامعه‌شناسی مدرن جامعه‌شناسی سکولار است و جامعه‌شناسی دین باید رواج پیدا بکند و آنجا هم باید تلاش‌های خودباورانه مبتنی بر تراث اسلامی صورت بگیرد که وجود دارد در حوزه جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی دین جزو شاخه‌های جدیدی است در حوزه روانشناسی، روانشناسی دین داریم البته روانشناسی دینی نه بین روانشناسی دین و روانشناسی دینی تفاوت وجود دارد آنجا باید رشد پیدا بکند بنابراین علوم انسانی اسلامی سر جایش لازم است واجب است

و اتفاقاً استدلال ما این است –دقت کنید- چون مسقط الرأس فقه تربیتی در دامن نظریه تربیت اسلامی بوده است و کسی که و یا پیشگامان و پیشران‌ها کسانی بودند که تعلیم و تربیت خوانده بودند سرنوشت فقه تربیتی به سرنوشت فقه‌های سنتی دچار نشده است و انتظار می‌رود فقه تربیتی در اسلامی سازی علوم تربیتی کمک کننده باشد و می‌تواند و هست و کمک هم کرده است ممکن است این تولیدات جدید و فقه‌های جدید به گسترش علوم اسلامی کمک نکند اما اگر مسقط الرأس و منظر شما کمک به اسلامی سازی علوم انسانی باشد در واقع این فقه‌ها فایده ثانویه‌ای پیدا می‌کنند

# ضرورت تأسیس فقه تربیتی

سؤال: آن کسی که طب کار می‌کند می‌فرماید باب طب خیلی مهم است و باید اضافه بشود

ما که نگفتیم فقط ماست ما شیرین است ما گفتیم همه ماست‌ها شیرین است و ماست ما هم شیرین است ما بازارگرمی نمی‌خواهیم بکنیم در جلسه سوم ادله‌ای را برای ضرورت تأسیس و ضرورت گسترش برشمردم که الزاماً این‌جوری نیست برخی از باب‌های موجود را باید ارتقاء داد مثلاً کتاب سبق و الرمایه نباید به کتاب تفریحات تغییر نام بدهد؟ 38:01؟؟؟ الآن یک صنعت است یعنی تفریحات الآن یک صنعت است کتاب سبق و الرمایه باید پارادایمش تغییر بکند اما موضوعات و تنوع مسائل و قلمرو مسائل فقط سبق و رمایه و رمی و تیراندازی نیست.

سؤال: عبد و اماء

جواب: الآن کتاب الصلاة هم در عمل ورود ندارد یعنی چه؟ کتاب الصلاة در اجرای صلاة و عملیاتی سازی صلاة نقش دارد ندارد پس یک سری حلقه‌های واسطه سازی دیگری داریم برای عملیاتی سازی شریعت خود فرایند دیگری دارد و این باعث نمی‌شود که شما بگویید این باب مهم است یا مهم نیست.

سؤال: چرا فقه فردی را با فقه تربیتی مقایسه می‌کنید؟

ما هم فقه موجود را با فقه تربیتی مقایسه کردیم و هم فقه مطلوب را و فقه تربیتی اینکه گفتم فقه حکمرانی تربیتی کجا با فقه فردی مقایسه کردم آن طرف را هم گفتم

# تفاوت فقه تربیتی و فقه اخلاق

سؤال: ... یک سؤالی را آقای محمدی فرمودند که شما بگویید فقه تربیت فقه اخلاق نیست

جواب: فقه تربیت فقه اخلاق نیست ما برای فقه اخلاق باب جدیدی داریم و کار می‌شود و دروس آیت اله اعرافی هست کتاب دارد دفتر دارد و تألیفات دارد ما را متهم به اخلاق ستیز و اخلاق گریزی نکنید آیت‌الله اعرافی با یک دست ده تا هندوانه برداشته است یک هندوانه فقه تربیت است و یک هندوانه فقه اخلاق است این فرق می‌کند با کسی که هیچ کاری نکرده است و می‌گوید شما اخلاق ستیزی و اخلاق گریزی می‌کنید.

سؤال: چرا شما اخلاق را عام نمی‌گیرید و تربیت را ذیل آن

جواب: اخلاق عام باشد تربیت ذیل آن است فقط می‌شود تریبت اخلاقی، آیا تربیت فقط تربیت اخلاقی است؟ تربیت اقتصادی را کجا بگذاریم؟ بحث فنی دارد.

خیلی ممنونم از همراهی دوستان و شما را به خدا می‌سپارم.